

روزگار سیاه مردم افغانستان تحت سلطه طالبان

رکوردشکنی در مصیبت و فلاکت

نرم کردند؛ اقتصاد افغانستان پس از ورود طالبان به کابل از کمک‌های بین‌المللی محروم شد، میلیون‌ها افغان دیگر امکان تأمین غذای روزانه خود را ندارند و تقریبا کل جمعیت افغانستان در فقر به سر می‌برد.

هرچند مقامات طالبان سال گذشته از رویکردی متعادل‌تر

طالبان یک سال پیش درحالی قدرت را در افغانستان در دست گرفتند که نزدیک به ۲۰ سال پیش از آن، حکومتشان به دنبال حمله آمریکا و متحدانش سرنگون شده بود. مردم افغانستان در یک سال گذشته با تبعات بازگشت طالبان که از بسیاری جهات کشورشان را به مرز فاجعه برد، دست‌وپنجه

چرا علیه طالبان می‌جنگیم؟

اسفندیار اندرابی؛ کوشش می‌کنم سخن به درازا نکشد. زمان زیاد در اختیار ندارم. تازه از یک رویارویی با طالبان برگشته‌ام. محل بود و باش من و هم‌سنگران فاش‌شده، باید جای عوض کنیم. هندوکش کوه پهلوان است. هرچه پیش برویم آغوشش باز است. به اصل قصه برمی‌گردم. ایستادگی مسلحانه اندرابی‌ها علیه طالبان یک‌ساله شده است. دقیقا یک روز پس از فرار اشرف غنی احمدزی، رئیس‌جمهوری پیشین کشور، مقاومت مسلحانه در دره اندراب ولایت بغلان علیه گروه طالبان آغاز شد. جوانان و پیرمردان زیادی در اندراب به حاکمیت تک‌قومی و تک‌زبانی و ستمگر طالبان نه گفته و به مقاومت پرداختند. طالبان در این یک سال به هدف در هم کوبیدن مقاومت پنج بار به اندراب لشکرکشی کردند. در این پنج بار هزاران جنگجوی طالب از زمین و هوا به اندراب شتافتند. افزون بر لشکرکشی‌ها، ۲۴ حمله بزرگ و متوسطه دیگر را در نقاط مختلف اندراب با هدف نابودی مقاومت راه‌اندازی کردند. در ۲۴ حمله یادشده در کنار جنگجویان مستقر آنها در اندراب، صدها نیروی کمکی و تازه‌نفس از جنوب و شرق کشور شرکت داشتند. ناآشنایی طالبان از جغرافیای پیچیده اندراب سبب شد در همه حملات‌شان شکست بخورند و با دادن تلفات سنگین خط نبرد را رها کرده و عقب‌نشینی کنند. براساس یاداشت‌های من در مدت یک سال ۴۱۱ جنگجوی طالب در اندراب کشته، ۲۳۳ تن دیگرشان زخمی شدند. در همان روزهای ابتدایی سقوط افغانستان در دره قاسان اندراب پس از یک نبرد نفس‌گیر ۲۰ طالب مسلح به اسارت نیروهای مقاومت درآمد. مایان (مقاومت‌گران) با اسیران طالب مطابق آموزه‌های دینی، قوانین پذیرفته‌شده بین‌المللی و روش‌های استاد ربانی و احمدشاه مسعود رفتار کردیم. طالبان پس از هر شکست در خط جنگ در اندراب به کشتار غیرنظامی‌ها روی آوردند. ۶۲تن غیرنظامی را طالبان به رگبار بستند. قرار اطلاع هیچ جای بدن دو اسیر مقاومتی و پرشنکان محلی دیده می‌شوند. ما هم هم‌سنگران نازنین خود را از دست دادیم. تا این ۳۵ مقاومت‌گر شهید شدند. سه زخمی داشتیم که اکنون لله‌لحم‌وضعت سلامت‌شان رو به بهبود است. دو مقاومتی دیگر نزد طالبان اسیر است. به گونه‌ای غیرمستقیم گاه و نگاه از حال و احوال او می‌پرسیم. طالبان به هیچ ارزش و قانونی پایبند نیستند. قرار اطلاع هیچ جای بدن دو اسیر مقاومتی آباد نیست و آثار شکنجه روشن معلوم می‌شود. براساس گزارش‌های نهادهای حقوق‌بشری طالبان روزانه اسیران را در زندان‌ها چندین مرتبه شکنجه می‌کنند. نزدیک به دودص خانواده را طالبان به اتهام همکاری با جبهه مقاومت کوچ اجباری دادند. بازداشت افراد ملکی، توهین و تحقیر، شکنجه و بیدرقاری همه‌روژه جریان دارد.

دیپلماسی دروغ طالبان در مواجهه با جهان

فریدون آژند؛ دیپلماسی گروه طالبان در مواجهه با جهان، نسبت به دور اول سلطه این گروه بر افغانستان تفاوت زیادی پیدا کرده است. در آن زمانی وقتی به ملا عمر رهبر طالبان گفته شد که سازمان ملل متحد آنان را به رسمیت نمی‌شناسد، ملا عمر هم در جواب گفت: «ما هم سازمان ملل متحد را به رسمیت نمی‌شناسیم». اما ملا هبت‌الله می‌خواهد این سستیزه‌جویی با جهان را آشکار کند. هبت‌الله در پیام عید فطر اسامال خطاب به جهان گفت: «دولت ما را به رسمیت بشناسید؛ زیرا ما در روند صلح و امنیت جهان نقش داریم.» از این منظر می‌توان گفت که سیاست خارجی طالبان دچار تغییر زیادی شده است. هرچند به نظر ویلیام میلی، نویسنده مقاله «مبایست خارجی طالبان»، این گروه به‌صورت کلی سیاست خارجی ندارد و با چنین مقوله‌ای بی‌گانه است.
باین حال به نظر می‌رسد که طالبان این دوره می‌خواهند تا در تعامل بیشتری با جهان قرار بگیرند یا حداقل در دیپلماسی خود رویکرد منطقت‌تری را به نمایش بگذارند اما نگاه اجمالی به عملکرد طالبان در یک سال گذشته نشان می‌دهد که دیپلماسی امارت اسلامی طالبان بیشتر از هر چیزی بر دروغ، نیرنگ و ترغندهای سیاسی استوار است.

همان زمان که در نشست اسلو پس از اعتراض هدا خموش، نماینده زنان افغانستان که از بازداشت ده‌ها دختر افغان به دلیل اعتراض به عملکرد طالبان نسبت به زنان خبر داد، امیر خان متقی تلفن خود را برداشت و ظاهرا با مقام‌های طالبان درمورد این بازداشت‌ها حرف زد، نشان داد که دیپلماسی طالبان بر دروغ و نیرنگ بنا شده است؛ زیرا آن تلفن هیچ تأثیری در وضعیت زنان و دختران زندانی نداشت. گروه طالبان در یک سال گذشته تلاش کرده است تا با دورویی و ریاکاری، عملکرد خود را در مسیر توافقات صورت‌گرفته در دوحه قطر نشان بدهد. این گروه بارها از تطبیق همه مفاد توافق دوحه خبر داده است. درحالی‌که واقعیت‌ها به‌صورت عینی نشان می‌دهد این گروه حتی یک مورد از توافقات صلح دوحه را که با آمریکا به امضا رسانده، اجرایی نکرده است.

به‌همین‌دلیل، زمانی که آمریکا از کشتن ایمن‌ال ظواهری رهبر گروه القاعده در کابل خبر داد، طالبان از حضور او در پایتخت افغانستان اظهار بی‌اطلاعی کردند. به‌طورکلی می‌توان گفت که طالبان در روابط سیاسی خود فاقد یک دیپلماسی مدون هستند. به‌همین‌دلیل در کردار و گفتارشان دورنگی و تناقض را به‌خوبی می‌توان دید. با اینکه این گروه در رابطه با کشورهای همسایه خود همیشه از حسن هم‌جواری و داشتن روابط حسنه حرف می‌زند اما ظرفیت تبیین این روابط در امارت اسلامی وجود ندارد.

چند هفته قبل یکی از فرماندهان مقتدر طالبان در میان جنگجویان خود گفته بود که این گروه اگر بخواهد ظرف یک هفته کشور تاجیکستان را به تصرف خود درمی‌آورد. حتی در مواجهه با پاکستان، ولی نعمت این گروه هم رویکردهای امارت اسلامی طالبان،

نسبت به دوره اول حکومت‌شان سخن می‌گفتند اما تجربه ۱۲ ماه گذشته نشان داده است طالبان طی دو دهه دوری از قدرت متحول نشده‌اند. مخالفت با دستاوردهای زنان افغانستان و نادیده‌گرفتن حقوق آنها، ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها و فضای حق‌ان، ویژگی‌های اصلی یک سال حضور مجدد طالبان در افغانستان بود.آمارهای منتشرشده از سوی اتحادیه اروپا در آستانه سالگرد بازگشت به قدرت طالبان در افغانستان نشان می‌دهد افغان‌ها پس از نزدیک به ۹ سال با کنارگذاشتن سوری‌ها از صدر، بیشترین تقاضای جدید پناهندگی را در مقایسه با سایر ملیت‌ها به کشورهای اتحادیه اروپا ارائه کرده‌اند.بـا اعلام خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، نیروهای شبه‌نظامی طالبان تهاجم نظامی خود به شهرهای افغانستان به‌ویژه در شمال این کشور را از ماه می ۲۰۲۱ آغاز کردند.

تعداد متقاضیان جدید پناهندگی به اتحادیه اروپا از ماه می ۲۰۲۱ روندی صعودی به خود گرفت و از ۳۳هزارو ۳۸۵ نفر

به ۵۰هزارو ۳۹۰ نفر در ماه آگوست و هم‌زمان با تصرف کابل و قدرت‌گیری دوباره طالبان در افغانستان رسید. این در حالی بود که شمار پناه‌جویانی که نخستین درخواست پناهندگی خود را به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارائه کرده بودند، در ماه آوریل به ۳۲هزارو ۵۷۰ نفر رسیده بود که در مقایسه با ماه پیش از آن نزدیک به پنج درصد کاهش یافته بود.

به‌این‌ترتیب، تعداد متقاضیان جدید پناهندگی به اتحادیه اروپا در فاصله ماه می ۲۰۲۰ تا ماه مشابه سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۷۷ درصد جهش کرد و در آگوست ۲۰۲۱ نیز در مقایسه با ماه مشابه سال ۲۰۲۰ بیش از ۳۸ افزایش یافت.

همچنین شمار پناه‌جویانی که نخستین درخواست پناهندگی خود را به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارائه کرده بودند، در نوامبر ۲۰۲۱ به بالاترین سطح پس از نوامبر ۲۰۱۶ رسید که این تعداد ۶۷هزارو ۱۵۰ نفر ثبت شده بود.

اینکه این تعداد از دسامبر سال گذشته میلادی سیر نزولی به خود گرفت ولی همچنان بالای ۵۲ هزار نفر باقی ماند که در



کشورم و تبدیل‌نشدن سرزمینم به لانه امن ترورستان داخلی و خارجی است. به یاد داریم که مادر بمب‌ها در این سرزمین استعمال شد. مسیب کی بود؟ مگر طالبان سبب نشدند که آمریکایی‌ها ۲۲ سال پیش به کشور ما حمله نظامی را راه‌اندازی کردند؟ می‌شود با این همه دلایل که یادآور شدم و ده‌ها دلیل دیگر ناگفته، علیه طالبان جنگ نکنیم؟ ممکن است باور شماری این باشد که این خواست‌ها از راه مدنی مطرح شود. طالب به مدنیت باور ندارد و زبان گفت‌وگو را بلد نیست. تنها زبان زور را می‌داند و پس.

چه‌می‌خواهیم؟

کنترل کشور از توان طالبان بیرون است. افغانستان لقمه‌ای خادرا است که بلعیدن آن برای طالبان ممکن نیست. ضعف و ناتوانانی طالبان دارد هر روز به مردم روشن می‌شود. دروغ‌هایی که به مردم کشور و دنیا گفته بودند، یکی یکی دیگر فاش شد. تأمین امنیت را که به روی همه می‌کشیدند، غلط ثابت شد. از قتل و دزدی گرفته تا اختطاف و انفجار و انتحار سیر صعودی را می‌پیماید. به دنیا گفته بودند که از خاک افغانستان امنیت و ثبات هیچ کشور تهدید نمی‌شود. آنچه در عمل دیده شد، از خاک افغانستان سه بار به خاک اوزبیکستان و یک بار به خاک تاجیکستان موشک پرتاب شد. درگیری‌های مرزی با ایران و پاکستان را هرازگاهی از طریق رسانه‌ها می‌شنویم. با این حال نیروهای ضدطالبی پیروز میدان مبارزه‌اند. چه

شهروندان همه‌روژه ادامه دارد. حتما کلیپ تصویری دخترخانم فارسی‌زبان را که با لت و کوب به حوزه ۱۱ امنیتی شهر کابل برده شده بود و طالبان از آن تقاضای جنسی کرده بودند، به یاد داریم و فراموش نشده است. آن ویدئو را همه در رسانه‌های اجتماعی دیدم که یک عضو گروه هلم‌الام جسد یک تن را درحالی‌که از پایش گرفته از بلندی کوه به پایین می‌کشاند، شخص قلم‌بردار خطاب به جسد بی‌روح پنجشیری و کولایی عنوان کرده و دشنام می‌دهد. قابل توجهی است؟ اعدام‌های صحرایی تاجیک‌ها از حساب بیرون است. روزنامه انگلکسی‌زبان آمریکایی در گزارشی نوشت که طالبان صدها تاجیک را پس از حاکمیت‌شان به گونه‌ای دسته‌جمعی تیرباران کردند. تک‌تیرانداز طالب به خاطر سرگرمی زنی را در پنجشیر به گلوله بست. خبرش را رسانه‌ها نشکر کردند. جرم آن زن چه بود؟ ها! درجروش زبان و قومش است. طالبان از عبدالحکیم نوزی، معاون شورای امنیت دوره حکومت اشرف غنی و دولت وزیري سخنگوی پیش وزارت دفاع که هر دو افغان /پشتون‌اند، در فرودگاه کابل استقبال می‌کنند؛ اما درگروال قاسم قایم تاجیک‌تبار با وجودی که حاکمیت طالبان را پذیرفته بود و زیر پرچم طالب در وزارت داخله کار می‌کرد، با چه سرنواشتی روبه‌رو شد؟ زیر شکنجه طالبان استخوان‌های بدنش شکست و سرانجام جان داد. اگر این برخورد‌های دوگانه قومی نیست پس چیست؟ از نصب زمین‌های اقوام غیرافغان /پشتون به دست طالبان در شماری از ولایات، زیر نام مالچر و ساحه سبز و ملکیت دولتی هیچ باوجودان نمی‌تواند چشم‌پوشی کند. دلیل دیگر جنگ من آن آزادی و استقلال

»

سراسر تناقض است. آنان هرچند از یک‌سو چارچوب دیپلماسی خود را براساس دکترین سیاسی پاکستان در منطقه تنظیم کرده‌اند اما از سوی دیگر، هم‌زمان فضای کافی برای تحریک طالبان پاکستانی به وجود آورده‌اند و هرازگاهی فغان سیاستمداران پاکستانی را برمی‌آورند.

در رابطه با ایران نیز این رویکرد پر تناقض کاملاً هویداست. طالبان در یک سال گذشته، چندین بار با مرزبانان ایرانی درگیر شده‌اند و گاهی این درگیری‌ها به‌شدت گسترده بوده است اما هم‌زمان، دوباره پندهای غرب افغانستان را که روی رودهای امتدادیافته به ایران احداث شده است، باز کردند تا آب دوباره وارد جغرافیای ایران شود.

تنش‌های داخلی گروه طالبان هم نگذاشته تا دیپلماسی طالبان ب‌صورت یکدست در قبال جهان شکل بگیرد. هیچ کشوری در جهان تاکنون طالبان را به رسمیت نشناخته است. خواسته‌های جامعه جهانی از طالبان برای به رسمیت شناخته‌شدن کاملاً آشکار و واضح است. آنان از طالبان می‌خواهند تا زمینه آموزش، کار و حضور در جامعه را برای زنان مهیا کنند و نگذارند تا سازمان‌های غیرافراطگر، از افغانستان به‌عنوان پایگاه استفاده کنند و همچنین به ارزش‌های حقوق‌بشری شهروندانش احترام بگذارند. اما برخورد طالبان با این خواسته‌های جامعه جهانی متفاوت بوده است. درحالی‌که تعدادی از رهبران طالبان در بدنه این گروه خود را موافق حضور زنان در اجتماع می‌دانند و حتی عده‌ای از بسته‌بودن در مدارس به روی دختران و خانه‌نشین ساختن زنان به‌صورت واضح انتقاد کرده‌اند اما رهبر این گروه همچنان با شدت و حدت مخالفت خود را با آموزش دختران و کار زنان اعلام کرده است.

همین مسئله باعث شده تا دیپلماسی طالبان نتواند در یک سال گذشته، برای این گروه امتیازی را به ارمغان بیاورد. هرچند این گروه هیچ موقعیتی را برای حضور خود در سطح بین‌المللی از دست نمی‌دهد. امیرخبران متقی را می‌توان به‌عنوان یکی از فعال‌ترین وزيران خارجه افغانستان به حساب آورد. او به‌صورت روزانه در حال دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی است. او همچنین به‌صورت مکرر به کشورهای مختلف در منطقه سفر می‌کند تا بتواند دیپلماسی امارت اسلامی را فعال نگه دارد اما این‌همه تلاش وزارت خارجه طالبان در سایه رویکرد واضح امارت اسلامی نسبت به اصولی که برای جهان مهم است، با شک و تردید روبه‌رو است.

در کنار اینکه طالبان همه ارزش‌های انسانی و حقوق‌بشری را در افغانستان زیر پا گذاشته‌اند، آنها نسبت به منافع سیاسی- اقتصادی کشورهای منطقه و جهان، با بی‌مبالایی برخورد کرده‌اند. بیشتر کشورهای همسایه افغانستان در نگرانی از نفوذ روزافزون شبکه‌های تروریستی منطقه‌ای را داخل خاک افغانستان به سر می‌برند. طالبان براساس دیکته‌های سیاسی سازمان استخباراتی پاکستان، با کشورهای منطقه برخورد می‌کنند و سیاست حسنه دولت‌های گذشته را نقض کرده‌اند. هرچند این گروه از چندین سال پیش به این‌سو وارد فاز رابطه مستقیم با کشورها و سازمان‌های جهانی شده و طبعاً باید تا حد زیادی زبان دیپلماسی مبتنی بر منافع ملی را پیدا کرده باشد اما در نبود یک سیاست مدون خارجی در جهان‌بینی طالبی، دیپلماسی این گروه در یک سال گذشته، هیچ دستاوردی برای افغانستان و حتی امارت اسلامی به ارمغان نیاورده است.

«کارشناس افغانستان

سطح شمار ثبت‌شده در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۰ بود. البته با آغاز تهاجم نظامی روسیه به خاک اوکراین در فوریه سال جاری میلادی، تعداد متقاضیان جدید پناهندگی به اتحادیه اروپا با شوک تازه‌ای روبه‌رو شد.

تازه‌ترین داده‌های منتشرشده از سوی اداره آمار کمیسیون اتحادیه اروپا (یورواستات) نشان می‌دهد شهروندان افغان در چهارماهه نخست سال ۲۰۲۲ نیز بیشترین درخواست پناهندگی را در مقایسه با شهروندان سایر کشورها به اعضای اتحادیه اروپا ارائه کرده‌اند. چنان‌که تا پایان ماه آوریل گذشته، ۲۹هزارو ۴۷۵ افغان، اولین درخواست پناهندگی خود را به یکی از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ارسال کرده‌اند. این در شرایطی است که سوری‌ها که از سال ۲۰۱۳ همواره بیشترین تقاضای پناهندگی به اتحادیه اروپا را ارائه کرده بودند، در چهار ماه ابتدایی سال ۲۰۲۲ پس از افغان‌ها قرار گرفتند. شهروندان سوریه در این مدت ۲۸هزارو ۴۶۵ تقاضای جدید پناهندگی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارائه کرده‌اند.

آتهایی که با روش نرم علیه طالب ایستاند و چه آتهایی که با روش سخت مثل ما در برابر طالب سنگر گرفته‌اند. صف مخالفان طالبان هر روز گسترده‌تر می‌شود. مخالفان طالبان با گذشت هر روز قوی‌تر و منسجم‌تر به صحنه می‌آیند. از جایگاه یک سرگروپ نیروهای مسلح ضدطالبی نه بلکه از عینک یک تحلیلگر مسائل روز هم به کارنامه

یک‌ساله طالبان نگاه کنم، شمارش معکوس برای ختم حاکمیت طالبان آغاز شده است. با این پیش‌بینی، برای آینده سیاسی کشور کپ دارم. در کنار میل کلاشینکوف و سر کلوله‌ای هاوان، طرح سیاسی هم دارم. اگر از عوامل بیرونی بگذریم، به باور من نزاع چهار دهه اخیر در کشور از یک سو ریشه در فروزن‌خواهی قومی داشته و از طرفی هم غصب قدرت و ثروت دولتی و نادیده‌گرفتن دیگران باعث شده است که کشمکش‌ها تا زمانه ما ادامه یابد. نوع نظام‌های سیاسی در چند دهه گذشته به‌شدت متمرکز بوده که این تمرکزگرایی قدرت و ثروت بر عمر بحران افزوده است. امارت طالبانی مانند نظام‌های گذشته سیاسی به‌شدت متمرکز است. هیچ شریک را نمی‌پذیرد. راه‌های حسابد‌هی به مردم نیز مسدود است. رهبری طالب قدرت و ثروت دولتی را غصب کرده و می‌خواهند با زور و فقر حکومت‌شان را بر مردم ادامه دهند. تاریخ شاهد است؛ در هر جای دنیا حکومت‌کردن از راه زور نتیجه داده باشد، در افغانستان نتیجه نمی‌دهد. راه‌حل این است؛ به هر قیمت که می‌شود باید نظام سیاسی پساتالبانی غیرمتمرکز شود. در نظام‌های متمرکز ما به ثبات و امنیت نمی‌رسیم. اگر ثبات و امنیت می‌خواهیم باید همه اقوام به‌صورت عادلانه در قدرت و ثروت دولتی سهیم باشند. شعارهای دروغین و میان‌جی‌ی «وحدت ملی» دیگر شنونده ندارد. هیچ قومی خود را در حاشیه فکر نکند، همه باید در متن باشند. طرح ما بابت حل مشکلات قومی و توزیع قدرت به مردم تحقق نظام فدرالی در کشور است. مردم در محلات حاکم‌شان را خود انتخاب کنند، نه علایق یکی یا دو تن در مرکز. نظام سیاسی آینده ما باید فدرالی باشد. اینکه کدام نسخه‌ای از فدرال با وضعیت جغرافیایی و قومی سرزمین ما همخوانی دارد، نیاز به مشورت با روشنفکران و نخبه‌های کشور دارد. ما مانند طالبان گفت‌وگو روی نظام سیاسی آینده را نفی نمی‌کنیم. اگر با طرح‌های مدرن نتوانیم جلوی هژمونی قومی را بر قومی در کشور بگیریم، درنهایت تمامیت ارضی کشور با خطر جدی روبه‌رو است. از طرف دیگران حرف‌زدن خوب نیست، چون هر انسان زبان دارد. آنچه را که اینجا من حیث دلیل جنگ با طالب و راه‌حل مطرح کردم، تعداد زیادی فرمانده‌های جبهه‌ای مقاومت در اندراب به همین باورند.

«**از فرماندهان مقاومت علیه طالبان در اندراب**

آگهی تعدید حدود اختصاصی قسمتی از املاک حوزه ثبتی قلهک بخش ۱۱ تهران
نظر به اینکه به استناد رای شماره ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۸ و ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۹و۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۰ و ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۱و ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۲ و ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۳ و ۱۴۰۱۶۳۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۴ صدور ۱۴۰۱/۳/۲۸ موضوع پرونده کلاسه شماره ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۸۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۸۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۸۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۹۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۰۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۱۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۲۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۳۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۴۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۵۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۶۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۷۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۸۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۱۹۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۰۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۱ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۲ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۳ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۴ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۵ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۶ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۷ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۸ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۱۹ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۲۲۰ و ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰